

۶

بررسی حوزه های تغییر در سیاست خارجی

جو بایدن در مقایسه با دونالد ترامپ

بر اساس نظریه ادراک از نقش ملی

(۲۰۲۱-۲۰۲۴)

الهام رسولی ثانی آبادی^۱

ایمان پیشوا^۲

سعید عطار^۳

درجه مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶

^۱. دانشیار دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، ایران rasooli@yazd.ac.ir

^۲. کارشناس ارشد روابط بین الملل، دانشگاه یزد، ایران iman.pishva2012@gmail.com

^۳. دانشیار دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، ایران s.attar@yazd.ac.ir

چکیده

با برگزیده شدن جو بایدن به عنوان چهل و ششمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از حزب دموکرات، سیاست خارجی آمریکا در بسیاری از حوزه‌ها دچار تغییراتی شد که از سیاست خارجی دونالد ترامپ متفاوت بود. این پژوهش با هدف بررسی شناخت این تغییرات از منظر یک چهارچوب نظری، در صدد پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان تغییر و تحول در سیاست خارجی دولت جو بایدن را بر اساس نظریه برداشت از نقش ملی تحلیل کرد؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه اصلی این مقاله آن است که با استفاده از نظریه نقش ملی به عنوان یک نظریه شناختی در تحلیل سیاست خارجی، می‌توان بر اساس نقش‌های ملی تعریف شده توسط بایدن برای دولت آمریکا به عنوان یک «رهبر مورد احترام و تحول‌آفرین»، «هژمون لیبرال»، «مدافع دموکراسی و حافظ صلح»، «مسوول در قبال مشکلات نظام بین‌الملل» و همچنین «رهبر مورد اعتماد در قبال شرکا و متحدان»، به تحلیل حوزه‌های تغییر در سیاست خارجی آمریکا پرداخت. این پژوهش به لحاظ روشی یک پژوهش تحلیلی تبیینی (بررسی ارتباط میان دو متغیر برداشت از نقش ملی و تغییر در سیاست خارجی) است که تحلیل داده‌ها بر اساس انطباق مورد بر نظریه و گردآوری داده‌ها از طریق سندپژوهی به عنوان منبع دست اول و استفاده از منابع معتبر مجازی و استنادی به عنوان منابع دست دوم است.

● واژگان کلیدی

ادراکات، بایدن، ترامپ، تغییر سیاست خارجی، نظریه نقش ملی.

شناخت و بررسی سیاست خارجی آمریکا به عنوان ابرقدرت نظام بین‌الملل برای درک تحولات بین‌الملل بسیار مهم و ضروری است. در شناخت سیاست خارجی آمریکا درک این نکته ضروری است که بخشی از اصول حاکم بر سیاست خارجی این کشور که منبعت از بنیان‌های هویتی آمریکا و اسطوره «آرمان آمریکایی» است، از اصول ثابتی به شمار می‌روند که در تمامی دوران‌های سیاست خارجی این کشور کمابیش وجود داشته و به آن عمل می‌شود. اصولی چون: تأکید بر رهبری آمریکا، مبارزه با دیگری یا یک دشمن بیرونی، اشاعه لیبرال دموکراسی، دفاع از حقوق بشر، مهار روسیه و چین به عنوان رقیبان اصلی ایالات متحده و یا حمایت از امنیت اسرائیل. اما آن چیزی که موجب تفاوت در سیاست خارجی آمریکا در دوران‌های مختلف تاریخی می‌شود، برداشت‌های متفاوتی است که هر یک از رؤسای جمهور این کشور از «نقش ملی آمریکا» دارند.

نظریه «نقش ملی»^۱ به عنوان یکی از نظریه‌های مهم تجزیه و تحلیل سیاست خارجی^۲ توسط هالستی مورد بررسی قرار گرفته است. هالستی در نظریه خود در تلاش بود تا میان ادراک از نقش ملی رهبران تصمیم‌گیرنده داخلی و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آن‌ها، ارتباط برقرار نماید. از نظر وی فهم و چگونگی برداشت نخبگان و رهبران از نقش ملی اساساً در انتخاب‌های سیاست خارجی جایگاه مهمی دارد (Holsti, 1970: 245-246). این نظریه جزو نظریه‌های ادراکی است که در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی بر ادراک و شناخت^۳ نخبگان تصمیم‌گیرنده از محیط و نقش باورها و نظام اعتقادی آن‌ها در انتخابات و تصمیمات سیاست خارجی تأکید می‌کند.

بنابراین، بر اساس این نظریه در تحلیل و تبیین تفاوت‌ها و شباهت‌های جهت‌گیری‌های سیاست خارجی در دوران‌های مختلف ریاست جمهوری در آمریکا از جمله دوران ریاست جمهوری بایدن بایستی به برداشت‌های متفاوت این رئیس‌جمهور از نقش ملی آمریکا توجه کرد، چرا که در دوران وی به عنوان چهل و ششمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا از حزب دموکرات، سیاست خارجی آمریکا در بسیاری از حوزه‌ها دچار تغییراتی شد که از سیاست خارجی دونالد ترامپ متفاوت بود. چرا که نقش ملی تعریف شده برای آمریکا توسط بایدن و تیم سیاست‌گذاری وی مبتنی بر

¹. National Role Theory

². Foreign Policy Analysis (FPA)

³. Perception and Cognition

بازگشت مجدد آمریکا به رهبری جهانی و یک رهبری اخلاقی و محترمانه^۱ بود، نقشی که به باور بایدن سیاست‌های ترامپ به آن صدمه زده بود. او شعار «آمریکای متحد»^۲ را در مقابل شعار «اول آمریکا» ترامپ مطرح کرد. نقش‌های تعریف شده توسط بایدن برای آمریکا دارای مولفه‌هایی چون: بین‌المللی‌گرایی لیبرال، چندجانبه‌گرایی و نهادگرایی، تأکید بر همکاری با متحدان و رهبری دسته‌جمعی، دموکراسی و ارزش‌های آمریکایی و اهمیت قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا بود (Rasooli Saniabadi, 2021).

با توجه به مقدمه بیان شده سؤال اصلی این پژوهش آن است که چگونه می‌توان تغییر و تحول در سیاست خارجی دولت جو بایدن را بر اساس نظریه برداشت از نقش ملی تحلیل کرد؟ در پاسخ به این پرسش فرضیه اصلی این مقاله آن است که با استفاده از این نظریه به عنوان یک نظریه شناختی در تحلیل سیاست خارجی، می‌توان بر اساس نقش‌های ملی تعریف شده توسط بایدن برای دولت آمریکا به عنوان یک «رهبر مورد احترام و تحول آفرین» و همچنین یک «هژمون لیبرال»، «مدافع دموکراسی» و «حافظ صلح» و «مسوول در قبال مشکلات نظام بین الملل» و یک «رهبر مورد اعتماد در قبال شرکا و متحدان»، به تحلیل حوزه‌های تغییر در سیاست خارجی آمریکا پرداخت.

۱. پیشینه پژوهش

با بررسی ادبیات موجود در ارتباط با سیاست خارجی دولت بایدن می‌توان به چند دسته از آثار اشاره کرد. بخشی از آثار به تحلیل سیاست خارجی بایدن در قبال یک منطقه و یا موضوع و یا یک کشور خاص مثلاً ایران پرداخته‌اند. به عنوان مثال کشوریان آزاد و میرترابی (۱۴۰۱) در مقاله «دولت بایدن و سیاست خیزش قدرت چین در حوزه اقیانوس هند-آرام» به بررسی نحوه مهار چین توسط دولت بایدن در اقیانوس هند-آرام می‌پردازند. جمشیدی و همکاران (۱۴۰۱) نیز در مقاله «تهدیدات و فرصت‌های راهبرد کلان آمریکا (در دوره جو بایدن) در غرب آسیا بر مدیریت راهبرد جمهوری اسلامی ایران» به بررسی راهبرد آمریکا در منطقه غرب آسیا و تأثیر آن بر ایران می‌پردازند. سؤال اصلی این پژوهش این است که راهبرد آمریکا در منطقه غرب آسیا چیست و این راهبرد چه تأثیری بر امنیت ایران دارد. رحیمی نیز (۱۴۰۳) در مقاله «تحلیل راهبرد مهار آمریکا در قبال ج.ا. ایران با تأکید بر دوره بایدن» به بررسی راهبرد مهار ایران توسط آمریکا می‌پردازد.

^۱. Respected and moral leadership

^۲. United America

بخش دوم از آثار با تاکید بر رویکرد مقایسه ای به مقایسه سیاست خارجی بایدن و روسای جمهور قبل از جمله ترامپ در قبال یک موضوع خاص می پردازند. به عنوان مثال طالعی حور (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی مقایسه ای سیاست خارجی ترامپ و بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران» به بررسی این موضوع می پردازد که سیاست خارجی ترامپ و بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران چه بوده است. سوال اصلی این پژوهش عبارت است از سیاست خارجی ترامپ و بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران چه تفاوت ها و شباهت هایی داشته است؟ کیوان حسینی و همکاران (۱۴۰۲) نیز در مقاله «مطالعه مقایسه ای دیپلماسی انرژی آمریکا ۲۰۱۶-۲۰۲۳» به بررسی نظم نوظهور جهانی انرژی و نقش ترامپ و بایدن بر دیپلماسی انرژی و سیاست های اقتصادی آمریکا و پیامدهای آن برای مدیریت انرژی جهانی می پردازد. سوال اصلی این مقاله عبارت است از وجوه تفاوت و تشابه دیپلماسی انرژی آمریکا در بازه زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ کدام اند؟ بنابراین در هیچ کدام از آثار مورد بررسی، از منظر نظریه ادراکی تحلیل سیاست خارجی و به طور خاص از منظر نظریه نقش ملی به بررسی سیاست خارجی دولت بایدن و حوزه های تغییر در این سیاست نسبت به دولت ترامپ پرداخته نشده است، که همین امر جنبه نوآورانه و ضرورت پژوهشی این مقاله را توجیه می نماید.

۲. چهارچوب نظری: نظریه ادراک از نقش ملی^۱

سیاست خارجی، اهدافی کلی است که رابطه و تعامل یک دولت را با دولت های دیگر بر اساس منافع ملی سامان می بخشد. تحلیل سیاست خارجی، سطحی از تحلیل است که همانند تحلیل سیاست بین الملل، دولت را در مرکز تحلیل خود قرار داده و برای تحلیل به جای بررسی دولت به عنوان یک کنشگر عام و شبیه به واحدهای دیگر، بر کنش گری خاص دولت توجه داشته و به بررسی افراد حقیقی شکل دهنده به نمایندگی از دولت می پردازد. تحلیل سیاست خارجی را می توان حدفاصل سیاست داخلی و سیاست بین الملل دانست (رسولی ثانی آبادی، ۱۴۰۲). این در حالی است که در نظریه های کلاسیک روابط بین الملل مانند واقع گرایی مرز دقیقی بین سیاست بین الملل و سیاست خارجی دیده نمی شود و اندیشمندانی مانند مورگنتا جدای از ارائه نظریه هایی در باب سیاست بین الملل، در سیاست خارجی نیز تحلیل هایی ارائه می دهند.

^۱. National Role Theory

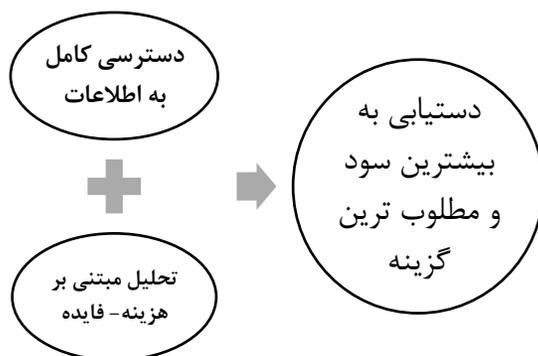
به طور کلی سیاست خارجی متشکل از سه بخش غایت: شامل چشم اندازی از یک نتیجه مطلوب یا مجموعه‌ای از منافع در تعامل با دولت یا بازیگر دیگر، راه‌ها که شامل استراتژی‌ها و ایده‌ها مانند تاکتیک‌های دیپلماتیک برای تعقیب منافع مورد نظر و ابزار شامل منابع موجود در اختیار یک دولت مانند منابع نظامی و اقتصادی است، می باشد (Bojang, 2018). در این میان تصمیم‌گیرندگان نقشی حیاتی در شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی ایفا می‌کنند. این افراد، که معمولاً شامل رهبران سیاسی، دیپلمات‌ها و مقامات ارشد دولتی هستند، مسئولیت اتخاذ تصمیمات کلیدی در مورد روابط بین‌المللی و استراتژی‌های جهانی کشور را بر عهده دارند (Allison & Zelikow, 1999). در این میان ویژگی‌های شخصیتی و خصوصیات فردی تصمیم‌گیرندگان، مانند تجربیات شخصی، ارزش‌ها و جهان‌بینی آنها، می‌تواند بر نحوه درک و واکنش به رویدادهای بین‌المللی تأثیر بگذارد (Jervis, 1976). نقش آن‌ها همچنین در تعامل با نهادهای داخلی و مدیریت و مدیریت منابع بسیار حائز اهمیت است (برای مطالعه بیشتر بنگرید به: Putnam, 1988, Halperin et al., 2006).

در این میان نظریه ادراک از نقش ملی در ادبیات مربوط به تحلیل سیاست خارجی در ذیل رویکردهای شناختی^۱ تحلیل سیاست خارجی و در مقابل رویکردهای عقلانی قرار دارد. رویکردهای عقلانی با پژوهش‌های اسنایدر و همکارانش، در تحلیل سیاست خارجی آغاز می‌شود. آنها معتقد اند که دولت‌های بازیگرانی عقلانی هستند و با محاسبه بی طرفانه، برای بهترین روش دستیابی به بیشترین سود تلاش می‌کنند. در این مدل فرض بر آن است که بازیگر تصمیم‌گیرنده به همه اطلاعات دسترسی دارد و می‌تواند همه ابعاد را به طور کامل بررسی کند، این مدل (عقلانیت مطلق^۲) نام دارد (Snyder et al., 1962).

1. Cognitive Approach

2. Absolute Rationality

شکل ۱: مدل تصمیم‌گیری در عقلانیت مطلق



منبع: یافته‌های پژوهش

در مقابل رویکردهای شناختی به بررسی ابعاد روانشناختی در افراد تصمیم‌گیرنده در سیاست خارجی می‌پردازند. رویکردهای شناختی در تحلیل سیاست خارجی بر این فرض استوار هستند که تصمیم‌گیرندگان بر اساس درک و تفسیر ذهنی خود از واقعیت‌های محیط بین‌المللی عمل می‌کنند، نه لزوماً بر اساس واقعیت‌های عینی. این رویکردها بر نقش عوامل روان‌شناختی، باورها، ارزش‌ها و ادراکات تصمیم‌گیرندگان در شکل‌دهی به سیاست خارجی تأکید دارد (Smith, 2018).

یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این حوزه، الکساندر جورج است که در کتاب تفکر عملیاتی^۱ به تأثیر نظام باورها بر تصمیم‌گیری می‌پردازد. به اعتقاد وی، تصمیم‌گیرندگان دارای یک نظام باور هستند که شامل تصورات آنها از ماهیت سیاست بین‌الملل، اهداف سایر بازیگران و بهترین راه‌های دستیابی به منافع ملی است (George, 1969). رابرت جرویس نیز در اثر مهم خود ادراک و سوء ادراک در سیاست بین‌الملل نشان می‌دهد که چگونه فیلترهای شناختی و ادراکی تصمیم‌گیرندگان می‌تواند به تفسیرهای نادرست از رفتار سایر دولت‌ها منجر شود. این سوء برداشت‌ها می‌تواند پیامدهای مهمی برای سیاست خارجی داشته باشد (Jervis, 1976). استرس و فشار روانی نیز می‌تواند بر فرایندهای شناختی تصمیم‌گیرندگان تأثیر بگذارد. تحقیقات نشان می‌دهد که در شرایط بحرانی، ظرفیت پردازش اطلاعات کاهش می‌یابد و احتمال تصمیم‌گیری عجولانه افزایش می‌یابد این مسئله به‌ویژه در بحران‌های بین‌المللی

^۱. Operational Code

اهمیت می‌یابد (Holsti, 1989). نقش ایدئولوژی و جهان‌بینی رهبران نیز در این رویکرد مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات نشان می‌دهد که چارچوب‌های ایدئولوژیک می‌توانند بر نحوه درک تهدیدات و فرصت‌ها تأثیر بگذارند (Holsti & Rosenau, 1988). یکی دیگر از مفاهیم مهم در این حوزه، نقشه‌های شناختی^۱ است که به الگوهای ذهنی تصمیم‌گیرندگان از روابط علت و معلولی اشاره دارد. این نقشه‌ها می‌توانند بر نحوه پیش‌بینی پیامدهای تصمیمات و انتخاب گزینه‌های سیاستی تأثیر بگذارند (Axelrod, 1976).

نظریه برداشت از نقش ملی توسط هالستی^۲ در سال ۱۹۶۷ وارد ادبیات روابط بین‌الملل شد. این نظریه به‌عنوان نظریه‌ای اجتماعی، دولت‌ها را مجموعه‌هایی اجتماعی در نظر می‌گیرد و از این رو به بررسی ساختار اجتماعی و نحوه تعامل آنها در سیاست خارجی می‌پردازد. در این نظریه برداشت کنشگر از جایگاه خود^۳ در مقابل دیگری^۴ بسیار حائز اهمیت است. این نظریه معتقد است که محیط ساختاری که نقش در آن اتفاق می‌افتد، محدودیت شدیدی بر رفتار کنشگران اعمال می‌کند و رفتار اجتماعی کنشگران و ساختار می‌توانند یکدیگر را کنترل و تعدیل کنند. نظریه نقش ملی هالستی تمرکز خود را بر روی نقش ملی و ایدئولوژی‌های ملی در سیاست خارجی کشورها قرار می‌دهد. این نظریه اصلی‌ترین فرضیه‌اش را این می‌داند که ایدئولوژی و هویت ملی از عوامل اصلی تعیین‌کننده سیاست خارجی کشورها به شمار می‌آیند. این ایدئولوژی‌ها شامل اعتقادات، ارزش‌ها، نگرش‌ها و تصویر سازی‌ها در مورد هویت ملی و جایگاه کشور در جهان می‌شود.

۱.۲. مفاهیم نظریه نقش ملی

در نظریه نقش ملی مفاهیمی وجود دارند که عبارت‌اند از:

- اجرای نقش^۵ که رفتار سیاست خارجی را شامل می‌شود،
- تجویزهای نقش دیگری که شامل انتظارات دیگری است که کنشگر از محیط خارجی خود دریافت می‌کند،

1. Cognitive Maps

2. Holsti

3. Self

4. Other

5. Role Performance

- منزلت ملی^۱ که برای توصیف موقعیت دولت‌ها در نظام بین‌الملل به کار برده می‌شود (Holsti, 1970).
- مفهوم انتظارات نقش: هر دارنده نقشی مجموعه‌ای برداشت از نقش ملی دارد که هم از جامعه داخلی و هم از نظام بین‌الملل نشات می‌گیرد. نقش جامعه داخلی را انتظارات نقش خود و نقش نظام بین‌الملل را انتظارات نقش دیگری می‌نامند.
- مفهوم تجویزهای نقش: مجموعه‌ای از دستورات عمل‌ها و بایدها و نبایدهای سیاست‌گذارانه است که مستقیماً از برداشت از نقش ملی منبث می‌شود.
- منابع نقش: منابع نقش شامل محدودیت‌ها و فرصت‌های ساختار سیاسی داخلی و ساختار نظام بین‌الملل، قواعد و هنجارهای بین‌المللی، تعهدات مورد توافق و ارزش‌های فراگیر نظام هستند.
- چرخش نقش: چرخش نقش زمانی رخ می‌دهد که یک دولت، به دلایل مختلف مانند تغییرات داخلی یا تحولات بین‌المللی، نقش خود را در صحنه جهانی تغییر می‌دهد. چرخش نقش می‌تواند تدریجی یا ناگهانی باشد. برای مثال، تغییر نقش چین از یک کشور منزوی به یک قدرت اقتصادی جهانی، یک فرایند تدریجی بوده است. در مقابل، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی منجر به چرخش نقش ناگهانی روسیه شد. درک چرخش نقش برای تحلیلگران سیاست خارجی بسیار مهم است، زیرا می‌تواند تغییرات ناگهانی در رفتار کشورها را توضیح دهد و به پیش‌بینی رفتارهای آینده کمک کند (Harnisch et al., 2011).
- تعارض نقش: زمانی که یک کشور چندین نقش دارد که با یکدیگر سازگار نیستند. این مفهوم شامل تعارض بین برداشت از نقش و انتظارات دیگران نیز هست. زمانی که برداشت یک کشور از نقش خود با انتظارات جامعه بین‌المللی همخوانی ندارد. این مفهوم می‌تواند توضیح دهد که چرا گاهی رفتار دولت‌ها در صحنه بین‌المللی متناقض به نظر می‌رسد (Thies, 2017). برای مثال، یک کشور ممکن است خود را هم به عنوان قدرت منطقه‌ای و هم به عنوان میانجی صلح تعریف کند، اما این دو نقش ممکن است در برخی شرایط با یکدیگر در تعارض قرار گیرند (Breuning, 2011).

¹. Nation's Status

۳. بایدن و برداشت از نقش ملی آمریکا با تاکید بر کنش های گفتاری وی

با به قدرت رسیدن جو بایدن به عنوان چهل و ششمین رئیس جمهور ایالات متحده از حزب دموکرات در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۲۱، سیاست خارجی آمریکا نسبت به دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ در بسیاری از حوزه‌های مختلف داخلی و خارجی دچار تغییر و تحول شد، که بر اساس مفروضه اصلی این مقاله مهم ترین عامل این تغییر و تحول، تغییر در برداشت از نقش ملی آمریکا توسط رییس جمهور می باشد. در همین رابطه اولین حوزه ای که می توان بر اساس استناد به آن برداشت از نقش ملی توسط یک رهبر تصمیم گیرنده در هر کشوری از جمله آمریکا را تشخیص داد، کنش های گفتاری آن رهبر است، کنش هایی که در جریان مناظرات انتخاباتی و بعد از آن بیان می شود. در ادامه به مهم ترین این نقش های هویتی اشاره خواهیم کرد، نقش هایی که هر کدامشان تولیدکننده الزامات و تجویزات سیاست گذارانه خاصی در سیاست خارجی آمریکا هستند.

۱.۳. تاکید بر رهبری مورد احترام آمریکا^۱

از نظر بایدن دیگری دوست که در قالب متحدان آمریکا تعریف می شوند، در موفقیت سیاست خارجی آمریکا بسیار مهم هستند. در نگاه او سیاست خارجی "اول آمریکا" (براساس درک نقش ملی ترامپ) ایالات متحده را از دوستان و متحدانش منزوی کرد و بیش از ۷۰ سال رهبری آمریکا را در جامعه جهانی برهم زد. بنابراین، رهبری آمریکا بایستی از طریق دوستان و متحدان این کشور صورت بگیرد. در یک سخنرانی پیش از انتخابات، بایدن اعلام کرد که می خواهد آمریکا را دوباره به صحنه جهانی بازگرداند (Biden, 2020). بایدن بر رهبری محترم و اخلاقی^۲ برای آمریکا تاکید کرد که توسط سیاست‌های انزواگرایانه ترامپ آسیب دیده بود. او در نخستین سخنرانی خود پس از ریاست جمهوری، به صراحت گفت که می خواهد اقداماتی را انجام دهد تا ایالات متحده را دوباره به صحنه جهانی بازگرداند. بایدن معتقد بود که در زمان بحران جهانی، آمریکا باید رهبری کند؛ آمریکا باید اولین کشوری باشد که به افرادی که آسیب می بینند یا در خطر هستند کمک کند. این آمریکا است. این چیزی است که آمریکا همیشه بوده است و در این میان نقش ارزش‌های آمریکایی در این رهبری بسیار مهم است (Biden, 2021).

¹. American Respected leadership

². American Respected leadership

۲.۳. تاکید بر رهبری تحول آفرین^۱

بایدن بر این باور بود که آمریکا باید رهبری کند، در غیر این صورت یا کشور دیگری جای آمریکا را خواهد گرفت که به نفع منافع و ارزش‌های آمریکا نیست (Biden, 2020). بنابراین وی قصد داشت سیاست خارجی آمریکا را از رویکرد رهبری معامله‌گرایانه دوران ترامپ که بر پاداش و تنبیه متکی بود، به سمت یک رهبری تحول‌گرایانه سوق دهد که در آن انگیزه‌ها و ایده‌های پیروان نیز لحاظ می‌شود. رهبری تحول آفرین یعنی ایالات متحده باید از تمام ظرفیت‌های قدرت خود از جمله قدرت نرم و سخت در قالب قدرت هوشمند^۲ استفاده کند (Rasooli Saniabadi, 2021).

بایدن بر این باور بود که جهان خود را سازماندهی نمی‌کند و رهبری آمریکا، با پشتوانه اهداف روشن و استراتژی‌های درست، برای رسیدگی موثر به چالش‌های تعیین‌کننده جهانی ضروری است. برای رهبری مجدد، آمریکا باید اعتبار و نفوذ خود را احیا کند. چرا که هیچ ملت دیگری این ظرفیت را ندارد. هیچ ملت دیگری براساس این ایده دموکراتیک ساخته نشده است.

۳.۳. تاکید بر هژمونی لیبرال

این انگاره وجود دارد که موفقیت ایالات متحده به ترکیبی از قدرت، ایده‌های دموکراتیک و پروژه‌های بین‌المللی لیبرال بستگی دارد، این در حالی است که واقع‌گرایان نقش ارزش‌های لیبرال آمریکایی و ایده‌های دموکراتیک را در سیاست خارجی آمریکا نادیده می‌گیرند (Ikenberry and Kupchan, 2004: 34). از نگاه ایکنبری دولت بایدن، دستور کار تغییر لیبرالیسم بین‌المللی را ارائه کرده است که هدف آن بازگرداندن ایالات متحده در مرکز رهبری لیبرال مرفقی برای رسیدگی به مشکلات قرن بیست‌ویکم است (Ikenberry, 2021). از نظر بایدن، آمریکا یک دولت لیبرال است که یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده‌اش، گفتمان بین‌المللی‌گرایی لیبرالیسم^۳ است. بنابراین گفتمان سیاست خارجی بایدن در چهارچوب گفتمان سیاست خارجی حزب دموکرات آمریکا، «بین‌المللی‌گرایی لیبرال» است.

¹. Transformational leadership

². Smart Power

³. International Liberalism

۴.۳. تاکید بر رهبری جمعی آمریکا^۱

رهبری جمعی آمریکا دارای مولفه های تکوینی چون: چندجانبه‌گرایی و نهادگرایی،^۲ احترام به متحدان و دوستان آمریکا، تقویت اتحادها به‌ویژه با اروپایی‌ها، تأکید بر رضایت افکار عمومی، استفاده از تمام ظرفیت‌های ایالات متحده در قالب قدرت هوشمند و دیپلماسی است. به این معنا که از نظر بایدن، ایالات متحده باید به متحدان و شرکای خود این احساس را تلقین کند که آن‌ها بخشی از روند استراتژیک مدیریت جهان هستند (Swielande, 2021: 135).

چندجانبه‌گرایی فرآیند سازماندهی روابط بین گروه‌های سه یا چند کشور است، وضعیتی که در آن چندین کشور یا سازمان مختلف برای دستیابی به چیزی یا مقابله با یک مشکل با یکدیگر همکاری می‌کنند. کوهن چندجانبه‌گرایی را این‌گونه تعریف می‌کند: «عمل هماهنگ کردن سیاست‌های ملی در گروه‌های متشکل از سه کشور یا بیشتر، از طریق ترتیبات ویژه یا با استفاده از نهادها» (Keohane, 1990: 731).

چندجانبه‌گرایی با نهادگرایی و دیپلماسی چندجانبه همراه است. نهادگرایی به معنای تاکید بر نقش نهادها در پیگیری منافع جهانی آمریکا، نگاه ابزارگرایانه به نهادها در دستیابی به اهداف سیاست خارجی ایالات متحده است به عنوان مثال، بایدن در موضوعاتی مانند: امنیت بهداشت جهانی، تغییرات آب‌وهوا یا اشاعه سلاح‌های هسته‌ای بر نهادگرایی و چندجانبه‌گرایی تاکید دارد (Rasooli Saniabadi, 2021: 137). بنابراین نهادگرایی لیبرال دیدگاهی است که معتقد است با ایجاد، توسعه و حمایت از نهادهای بین‌المللی مبتنی بر اصول و ارزش‌های لیبرال می‌توان همکاری‌های بین‌المللی در روابط بین‌الملل را افزایش داد و از آن‌ها حمایت کرد (Keohane, 2012: 125).

۴. بایدن و برداشت از نقش‌های ملی آمریکا با تاکید بر سند استراتژی امنیت ملی

۲۰۲۲ آمریکا

در ۱۲ اکتبر ۲۰۲۲ سند استراتژی امنیت ملی بایدن در ۴۸ صفحه منتشر گردید که در آن اهداف و اولویت‌های آمریکا در نگاه به جهان تشریح شده است. در این سند بر این موضوع تاکید می‌شود که آمریکا دوباره با جهان و نظام بین‌الملل تعامل و همکاری خواهد داشت و این

¹. Collective leadership

². Multilateralism and Institutionalism

تعامل سازنده اساسا برای غلبه بر چالش های دیروز، امروز و فردا خواهد بود. (National Security Strategy, 2022).

بر اساس تحلیل این سند می توان مهم ترین نقش های ملی تعریف شده برای آمریکا را در جدول ذیل مشاهده کرد.

جدول شماره یک - مهم ترین نقش های ملی تعریف شده برای آمریکا بر اساس سند ۲۰۲۲ استراتژی

امنیت ملی

<p>این نقش نمایانگر موقعیت مرکزی ایالات متحده در ساختار امنیتی و سیاسی در نقاط مختلف جهان می باشد. در این زمینه، ایالات متحده با اتکا به قدرت نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک خود، مسئولیت هدایت و رهبری متحدان و شرکای خود را بر عهده می گیرد. این رهبری شامل ایجاد ترتیبات امنیتی منطقه ای، هم راستایی سیاست های اقتصادی و تجاری، و ارائه یک چشم انداز استراتژیک برای آینده است. ایالات متحده در این نقش، خود را متعهد به حفظ توازن قوا در مناطق مختلف، جلوگیری از ظهور قدرت های رقیب منطقه ای، و تضمین دسترسی آزاد به منابع و مسیرهای تجاری می داند. این رهبری همچنین شامل تأسیس و تقویت نهادهای منطقه ای، توسعه سازوکارهای همکاری چندجانبه، و هم راستایی پاسخ ها به چالش های مشترک است (National Security Strategy, 2022).</p>	<p>نقش رهبر جمعی نظام بین الملل بر اساس اتحاد با شرکا</p>
<p>در این نقش، ایالات متحده به عنوان ضامن اصلی صلح و ثبات در نظام بین الملل شناخته می شود. این مسئولیت شامل مجموعه ای از اقدامات پیشگیرانه و واکنشی است. در بعد پیشگیرانه، ایالات متحده به شناسایی و خنثی سازی عوامل بی ثباتی، تقویت روش های حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و ایجاد ساختارهای امنیتی پایدار می پردازد. در بعد واکنشی، این نقش شامل میانجی گری در منازعات، اعمال فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی به منظور متوقف کردن درگیری ها و در مواقع ضروری، استفاده از نیروی نظامی برای بازگرداندن صلح می باشد (National Security Strategy, 2022).</p>	<p>نقش حافظ صلح</p>
<p>این مسئولیت نشان دهنده تعهد عمیق ایالات متحده به ترویج و تقویت اصول دموکراتیک در سطح جهانی است. در این راستا، آمریکا با استفاده از ابزارهای مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، به تقویت نهادهای دموکراتیک، حمایت از جامعه مدنی و مقابله با گرایش های اقتدارگرایانه می پردازد. علاوه بر این، ایالات متحده در این زمینه به دنبال ایجاد ائتلاف های جهانی برای دفاع از دموکراسی، مبارزه با فساد و حمایت از مدافعان حقوق بشر می باشد. این نقش همچنین شامل به کارگیری ابزارهای تحریمی و فشار دیپلماتیک علیه رژیم های غیر دموکراتیک و ناقض حقوق بشر است (National Security Strategy, 2022).</p>	<p>نقش مدافع دموکراسی</p>

<p>در این نقش، ایالات متحده به عنوان یک بازیگر کلیدی در عرصه جهانی، مسئولیت ارتقاء توسعه اقتصادی و اجتماعی را بر عهده می‌گیرد. این مسئولیت شامل طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌های توسعه‌ای جامع، ارائه کمک‌های مالی و فنی، و انتقال دانش و فناوری به کشورهای در حال توسعه می‌باشد. علاوه بر این، این نقش شامل تلاش برای کاهش شکاف دیجیتال، مقابله با تغییرات اقلیمی، و بهبود استانداردهای زندگی در مناطق کمتر توسعه‌یافته نیز می‌باشد (National Security Strategy, 2022).</p>	<p>نقش کشور رهبر و حامی توسعه</p>
<p>در این نقش، ایالات متحده به عنوان بازیگر اصلی در شناسایی، پیشگیری و مقابله با تهدیدات علیه نظم جهانی عمل می‌کند. این مسئولیت شامل تهدیدات متنوعی است که هم به شکل سنتی و هم به شکل نوظهور وجود دارند. در زمینه تهدیدات سنتی، ایالات متحده تلاش می‌کند تا از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی جلوگیری کند، با تروریسم بین‌المللی مقابله نماید و با جرائم سازمان‌یافته مبارزه کند. از سوی دیگر، در حوزه تهدیدات نوظهور، این نقش شامل مقابله با حملات سایبری، مبارزه با اطلاعات نادرست و حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی می‌شود (National Security Strategy, 2022).</p>	<p>نقش دولت مسوول در مواجهه با تهدیدات بین‌المللی</p>
<p>در این نقش، ایالات متحده به دنبال شکل‌دهی و تقویت هنجارها و قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل می‌باشد. این تلاش‌ها شامل ایجاد و تقویت استانداردهای جهانی در حوزه‌های مختلفی نظیر تجارت، محیط زیست، حقوق بشر و فناوری است. آمریکا در این راستا از طریق مذاکرات چندجانبه، همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و بهره‌گیری از نفوذ سیاسی و اقتصادی خود، به ترویج قواعد و هنجارهای مطلوب خود می‌پردازد (National Security Strategy, 2022).</p>	<p>نقش رهبر مسوول در هنجارسازی بین‌المللی</p>

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. حوزه‌های تغییر در سیاست خارجی بایدن نسبت به ترامپ (۲۰۲۱-۲۰۲۴)

در این مبحث به بررسی و تحلیل حوزه‌های تغییر در سیاست خارجی بایدن بر اساس ارجاع به نقش ملی تعریف شده توسط دولت وی از آمریکا خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است سیاست خارجی دولت بایدن در برخی از حوزه‌ها از جمله رویکرد نسبت به چین و یا روسیه، دارای تغییرات کمتری نسبت به دوران ریاست جمهوری ترامپ بوده و در برخی از حوزه‌ها تغییرات بسیار چشمگیر بوده است.

۱.۵. بررسی سیاست خارجی دولت بایدن در قبال چین

مهم‌ترین عناصر شکل‌دهنده به سیاست خارجی دولت بایدن در قبال چین بر اساس تعاریف وی از نقش ملی آمریکا را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

جدول شماره دو - مهم ترین عناصر شکل دهنده به سیاست خارجی دولت بایدن در قبال چین بر اساس تعاریف وی از نقش ملی آمریکا

نحوه مواجهه با چین مطابق با سند امنیت ملی ۲۰۲۲	نحوه بازنمایی چین در سند امنیت ملی ۲۰۲۲	نقش تعریف شده برای آمریکا
<p>جمهوری خلق چین به عنوان بزرگترین چالش ژئوپلیتیکی برای ایالات متحده شناخته می شود. در شرایطی که رقابت ها به شدت افزایش یافته است، وظیفه ارتش حفظ و کسب مزیت های نظامی و همچنین محدود کردن توانمندی های رقبا ما به شمار می آید (National Security Strategy, 2022).</p>	<p>جمهوری خلق چین به طور فزاینده ای توانایی و ظرفیت تغییر نظام بین المللی را به نفع خود دارد، این کشور نه تنها به عنوان رقیب اصلی شناخته می شود، بلکه همزمان قصد دارد نظم بین المللی را دگرگون کند و از قدرت های اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و تکنولوژیکی برای تحقق این هدف بهره برداری کند (National Security Strategy, 2022).</p>	<p>نقش حافظ صلح و نظم بین الملل</p>
<p>تاکید بر اقدامات بازدارنده: جلوگیری از حملات استراتژیک و اقدامات تجاوزگرانه چین علیه ایالات متحده، متحدان و شرکا، جلوگیری از بسط مدل اقتدارگرایانه چین در نظام بین الملل جلوگیری از تسلط جمهوری خلق چین بر مناطق کلیدی و در عین حال محافظت از سرزمین ایالات متحده و تقویت یک سیستم بین المللی باثبات و باز</p>	<p>پکن به دنبال گسترش حوزه نفوذ خود در اقیانوس هند و اقیانوس آرام است. این کشور با بهره گیری از ظرفیت های تکنولوژیک و نفوذ روزافزون خود بر نهادهای بین المللی، تلاش می کند تا شرایطی مساعد برای مدل اقتدارگرای خود فراهم آورد و از فناوری و هنجارهای جهانی به نفع منافع و ارزش های خود استفاده کند. چین به طور مداوم از قدرت اقتصادی خود برای تحت فشار قرار دادن کشورهای دیگر بهره می برد و در عین حال از باز بودن اقتصاد جهانی بهره مند می شود، در حالی که دسترسی به بازار داخلی خود را محدود می کند (National Security Strategy, 2022).</p>	<p>نقش مدافع دموکراسی در سرتاسر جهان</p>
<p>تاکید بر تعامل گزینشی با چین در حوزه هایی چون: چالش های مشترک جهانی از جمله تغییرات آب و هوا و سلامت عمومی جهانی، عدم اشاعه، مقابله با مواد مخدر غیرقانونی، بحران جهانی غذا، و مسائل کلان اقتصادی</p>		<p>نقش رهبر جمعی آمریکا در نظام بین الملل</p>

در همین رابطه می توان این گونه بیان کرد که مهم ترین وجه و شاخصه اصلی سیاست خارجی بایدن در قبال چین تاکید یکی تکیه بر راهبرد بازموازنه^۱ و دیگری تکیه بر ادامه جنگ تجاری با چین می باشد. در همین راستا سیاست خارجی بایدن تلاش می کند با ایفای نقش محوری در اتحادها و ائتلاف های منطقه ای، توازن قدرت در برابر چین را حفظ کند. در این راهبرد، آمریکا به عنوان هسته مرکزی ائتلاف های منطقه ای مطرح است و کشورهایی مانند هند، استرالیا و ژاپن نیز از این سیاست حمایت کرده اند (کشوریان آزاد و میرترابی، ۱۴۰۱: ۳۲). دولت بایدن در چارچوب راهبرد بازموازنه، مفهوم گسترده ای از منطقه اقیانوس هند-آرام ارائه داده که جنوب شرق آسیا، اقیانوس هند و اقیانوسیه را شامل می شود (Cooper & P.Liff, 2021: 2).

در مورد جنگ تجاری با چین نیز می توان این گونه بیان کرد که در واقع این وجه از سیاست خارجی بایدن در قبال چین به نوعی تداوم در سیاست خارجی آمریکا در ادامه سیاست جنگ تجاری دولت ترامپ می باشد. به طور کل جنگ تجاری شامل تحمیل تعرفه های اضافی بر واردات محصولات چینی و اعمال محدودیت هایی بر انتقال فناوری و فعالیت شرکت های پیشرفته چینی، به ویژه هوآوی، بود. دلایل اصلی این جنگ شامل نارضایتی آمریکا از روش های تجاری ناعادلانه چین، تفاوت سیستم های سیاسی و اقتصادی چین با مدل های غربی و رشد سریع چین به عنوان تهدیدی جدی برای هژمونی آمریکا بود (Kwant, 2019: 1).

دولت بایدن نه تنها تعرفه های دوران ترامپ را حفظ کرد، بلکه با اعمال سیاست های جدید مانند کنترل صادرات، اجراسازی تعرفه های جدید و محدودیت های سرمایه گذاری، رویکرد سخت گیرانه تری اتخاذ نمود. در اکتبر ۲۰۲۲، بایدن مجموعه ای از کنترل های صادراتی گسترده علیه چین را اجرا کرد که از جمله آن محدودیت هایی در معاملات مربوط به تراشه های خاص بود. هدف واشنگتن از این اقدامات، کند کردن پیشرفت های فناورانه و نظامی چین بوده است (The Guardian, 2022).

علت اصلی بستن تعرفه بر کالاهای چینی توسط روسای جمهور آمریکا از جمله ترامپ و بایدن، توازن تجاری به شدن منفی میان دو کشور است که مطابق با آمار ارائه شده در هر دو دوره وجود داشته است. دولت ترامپ در بازه زمانی ژانویه ۲۰۱۸ تا آگوست ۲۰۲۰، چندین دور تعرفه بر کالاهای چینی (عمدتاً بر فولاد، آلومینیوم، ماشین های لباسشویی، پنل های خورشیدی و برخی دیگر از کالاهای چین) اعمال کرد که بر تجارت بیش از ۳۸۰ میلیارد دلاری چین با آمریکا در زمان اجرا تأثیر گذاشت و تقریباً ۸۰ میلیارد دلار افزایش مالیات را به همراه داشت. دولت بایدن اکثر تعرفه ها را حفظ

^۱. Rebalance

کرد به جز تعلیق برخی تعرفه‌ها بر واردات از اتحادیه اروپا، جایگزینی تعرفه‌های ثابت با سهمیه‌ای کردن نرخ تعرفه‌ها بر فولاد و آلومینیوم از اتحادیه اروپا و بریتانیا و واردات فولاد از ژاپن و پایان تعرفه ماشین لباسشویی پس از دو سال تمدید تعرفه‌های دولت سابق. در ماه مه ۲۰۲۴، دولت بایدن تعرفه‌های اضافی جدیدی بر ۱۸ میلیارد دلار از کالاهای چینی وضع کرد (York, 2024).

۲.۵. بررسی سیاست خارجی دولت بایدن در قبال روسیه

به مانند دولت چین، دولت روسیه نیز در اسناد راهبردی دولت‌های ترامپ و بایدن به عنوان یک تهدید اساسی برای منافع و امنیت ملی آمریکا شناسایی شده است. در حالی که دولت ترامپ در سند امنیت ملی ۲۰۱۷ روسیه را به عنوان یک قدرت تجدیدنظرطلب معرفی کرد، دولت بایدن در سند ۲۰۲۲ با بیانی صریح‌تر، اقدامات روسیه را به عنوان تهدیدی مستقیم برای نظم بین‌المللی تحت حمایت آمریکا تلقی کرد.

جدول شماره سه - مهم ترین عناصر شکل دهنده به سیاست خارجی دولت بایدن در قبال روسیه بر اساس تعاریف وی از نقش ملی آمریکا

نقش تعریف شده برای آمریکا	نحوه بازنمایی روسیه در سند امنیت ملی ۲۰۲۲	نحوه مواجهه با روسیه مطابق با سند امنیت ملی ۲۰۲۲
نقش حافظ صلح و امنیت بین الملل	جنگ بی‌رحمانه و بی‌نتیجه روسیه علیه اوکراین، باعث بی‌ثباتی در اروپا شده و اثرات منفی آن در سطح جهانی احساس می‌شود. همچنین تهدیدات هسته‌ای غیرضروری این رژیم، اصول جهانی عدم اشاعه را به چالش می‌کشد. در این سند روسیه به عنوان یک تهدید فوری برای نظام بین‌الملل آزاد و باز شناخته می‌شود.	مواجهه و مهار این کشور از طریق تلاش‌های جمعی و همکاری با متحدان اروپایی (اتخاذ سیاست چندجانبه گرایانه در مهار و بازدارندگی روسیه).
نقش رهبری جمعی با تاکید بر اهمیت شرکا و متحدان	روسیه همچنین به عنوان یک تهدید فوری و پایدار برای نظم امنیتی منطقه‌ای در اروپا شناخته می‌شود و به عنوان منبعی برای اختلال و بی‌ثباتی در سطح جهانی عمل می‌کند (National Security Strategy, 2022).	مواجهه و مهار این کشور از طریق تلاش‌های جمعی و همکاری با متحدان اروپایی (اتخاذ سیاست چندجانبه گرایانه در مهار و بازدارندگی روسیه).

<p>مواجهه و مهار این کشور از طریق تلاش های جمعی و همکاری با متحدان اروپایی (اتخاذ سیاست چندجانبه گرایانه در مهار و بازدارندگی روسیه).</p>	<p>بازنمایی روسیه به عنوان یک دولت امپریالیستی که هدف آن تغییر ساختارهای کلیدی نظم بین‌المللی است. تهاجم روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، مداخله نظامی این کشور در سوریه، و تلاش‌های مداوم برای بی‌ثبات کردن همسایگان از طریق ابزارهای اطلاعاتی و سایبری، به همراه تلاش‌های آشکار برای تضعیف فرآیندهای دموکراتیک در کشورهای مختلف، نشان‌دهنده رویکرد تهاجمی روسیه است. در داخل کشور نیز، دولت تحت رهبری پوتین به نقض حقوق بشر، سرکوب مخالفان و بستن رسانه‌های مستقل پرداخته است.</p>	<p>نقش مدافع دموکراسی</p>
---	---	---------------------------

منبع: یافته‌های پژوهش

به طور کل وجه شاخصه سیاست خارجی دولت بایدن در قبال روسیه سیاست «تقابل و مهار از طریق اعمال تحریم‌های یک جانبه و چندجانبه» بوده است، که در این حوزه هم می‌توان به نوعی تداوم در جهت گیری دولت بایدن در ادامه سیاست مهار و تحریم دولت ترامپ را شاهد بود.

در همین راستا تحریم‌های در جریان ایالات متحده علیه روسیه را می‌توان در این موضوعات خلاصه کرد: ۱. تحریم‌های نقض حقوق بشر، ۲. امنیت سایبری، ۳. مداخله در سیاست‌های داخلی آمریکا، ۴. تحریم‌های مربوط به بحران اوکراین، ۵. جلوگیری از تقویت پتانسیل‌های نظامی و اقتصادی، ۶. مقابله با پروژه‌های مرتبط با انرژی (Sokolshchik, 2024). تحریم‌های مرتبط با بخش انرژی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که مشارکت شرکت‌های آمریکایی در پروژه‌های نفت و گاز روسیه را محدود کنند، به ویژه در مواردی که سهم مالکیت شرکت‌های روسی ۳۳ درصد یا بیشتر باشد. علاوه بر این، تحریم‌های دفاعی به ممنوعیت هرگونه معامله با بخش‌های دفاعی و اطلاعاتی روسیه پرداخته و به نوعی به امنیت ملی ایالات متحده مرتبط می‌شوند. همچنین، تحریم‌های مالی به محدودیت‌های جدی در معاملات با بانک‌های دولتی روسیه و خرید اوراق قرضه دولتی این کشور اشاره دارند (Gould-Davies, 2020).

در سال ۲۰۲۱، دولت بایدن به مداخله ادعایی روسیه در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا و همچنین حملات سایبری واکنش نشان داد و نخستین دور تحریم‌ها را به مرحله اجرا درآورد. این تحریم‌ها شامل اخراج ۱۰ دیپلمات روسی، محدودیت در خرید اوراق قرضه روسیه و تحریم ۳۲ نهاد و فرد

روسی بود. علاوه بر این، تحریم‌ها به تدریج گسترش یافت و شامل بخش‌های مختلفی از جمله انرژی، بانکداری و فناوری‌های پیشرفته شد. این تحریم‌ها نه تنها با هدف تنبیه روسیه به خاطر اقدامات نظامی‌اش در اوکراین بلکه به منظور جلوگیری از گسترش نفوذ این کشور در مناطق دیگر و همچنین حمایت از امنیت و ثبات در اروپا طراحی شده‌اند (U.S. Department of the Treasury, 2021).

در روزهای پس از حمله روسیه به اوکراین در اواخر فوریه ۲۰۲۲، بایدن به همراه متحدانش، بسته‌های تحریمی متعددی را معرفی کرد که به طور خاص صنعت تسلیحات، بانک‌ها، دارایی‌های خارجی، صادرات فناوری، شرکت‌های انرژی و تجار ثروتمند روسیه را هدف قرار می‌داد. یکی از اقدامات کلیدی در این راستا، مسدود کردن دارایی‌های بانک مرکزی روسیه بود که به طور قابل توجهی توانایی این بانک برای مدیریت ذخایر ارزی و حمایت از روبل را تحت تأثیر قرار داد. همچنین، محدودیت‌هایی در دسترسی به ذخایر ارزی روسیه وضع شد که به کاهش قدرت خرید این کشور در بازارهای جهانی منجر شد. علاوه بر این، تحریم‌ها شامل قطع دسترسی بانک‌های روسی به سیستم سوئیفت بود که این امر تبادلات مالی بین‌المللی را برای این بانک‌ها به شدت دشوار کرد و به انزوای مالی روسیه کمک کرد. تحریم صنایع کلیدی نظیر نفت و گاز نیز به عنوان یکی از ابزارهای اصلی فشار اقتصادی بر روسیه در نظر گرفته شد، زیرا این صنایع بخش عمده‌ای از درآمدهای دولت روسیه را تشکیل می‌دهند. همچنین، محدودیت صادرات کالاهای لوکس به روسیه به عنوان یک اقدام نمادین برای نشان دادن نارضایتی جامعه جهانی از اقدامات روسیه در اوکراین بود (OFAC, 2022).

در سال ۲۰۲۳، تحریم‌ها بیشتر بر تضعیف توان نظامی روسیه متمرکز شد. این تحریم‌ها شامل محدودیت‌هایی برای شرکت‌های تولیدکننده تسلیحات و قطعات نظامی بود که هدف آن کاهش توانایی روسیه در تأمین تسلیحات و تجهیزات نظامی برای نیروهای خود بود. همچنین، محدودیت صادرات فناوری‌های دوگانه، که می‌تواند در زمینه‌های نظامی و غیرنظامی مورد استفاده قرار گیرد، به عنوان یک اقدام دیگر برای جلوگیری از تقویت توان نظامی روسیه در نظر گرفته شد (OFAC, 2023).

۳.۵. تغییر در سیاست خارجی دولت بایدن نسبت به سازمان‌های بین‌المللی در قالب

استراتژی بازگشت

ترامپ نسبت به سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، سازمان جهانی بهداشت و سازمان تجارت جهانی دیدگاه انتقادی داشت. او معتقد بود که این سازمان‌ها منافع آمریکا را تأمین نمی‌کنند و آمریکا سهم نامتناسبی از هزینه‌های آنها را می‌پردازد. این دیدگاه منجر به

تنش در روابط آمریکا با این سازمان‌ها و حتی خروج از برخی از آنها شد. اما با روی کار آمدن جو بایدن، رویکردی جدید شکل گرفت که به وضوح به سمت چندجانبه‌گرایی و همکاری مؤثر با نهادهای بین‌المللی متمایل شد.

در همین راستا یکی از نخستین اقدامات جو بایدن بازگشت به سازمان بهداشت جهانی در ژانویه ۲۰۲۱ بود. این اقدام در تقابل با اقدام دونالد ترامپ بود که در اوایل سال ۲۰۲۰ به دلیل انتقاداتش از نحوه مدیریت این سازمان در مواجهه با شیوع کوید-۱۹، به‌طور رسمی عضویت ایالات متحده را متوقف کرده بود. بایدن با تأکید بر این نکته که جهان در یک بحران بهداشتی جهانی به همکاری نیاز دارد، به سرعت فرایند بازگشت به این سازمان را آغاز کرد. این اقدام نشان‌دهنده تمایل بایدن به بهره‌برداری از ظرفیت‌های جهانی برای مقابله با چالش‌های بهداشتی مشترک بود. این تصمیم که در نخستین روز ریاست جمهوری او اتخاذ شد، اعلام می‌کرد که ایالات متحده متعهد می‌شود تا بدهی‌های معوق خود به این سازمان را پرداخت کند (Thompson, 2023).

یکی دیگر از اقدامات دولت بایدن بازگرداندن آمریکا به شورای جهانی حقوق بشر بود. این درحالی بود که تصمیم ایالات متحده برای خروج از شورای حقوق بشر سازمان ملل در زمان ریاست جمهوری ترامپ بنا به دلایلی چون: موضع‌گیری شورا نسبت به اسرائیل و همچنین انتقاد از حضور کشورهای بی‌حقوق بشر متهم بودند (Piccone, 2021).

۴.۵ تغییر در سیاست خارجی دولت بایدن نسبت به اتحادیه اروپا در قالب بازگشت به چندجانبه‌گرایی

تغییرات سیاست خارجی ایالات متحده نسبت به اروپا با ورود جو بایدن به کاخ سفید در سال ۲۰۲۱، دگرگونی‌های قابل توجه و وسیعی را به همراه داشته است. این تحولات در زمینه‌های گوناگون از جمله سیاست، اقتصاد، امنیت و محیط زیست قابل تحلیل و بررسی است. بایدن در نخستین سفر خارجی خود، اروپا را به‌عنوان مقصد انتخاب کرد که نشان‌دهنده اهمیت بالای روابط فرآتلانتیک بود.

به طور کلی سیاست (اول آمریکا) ترامپ به تضعیف روابط فرآتلانتیک و افزایش تنش‌ها با متحدان اروپایی منجر شد. یکی از نخستین اقداماتی که تأثیر عمیقی بر روابط با اروپا گذاشت، خروج از توافق پاریس در ژوئن ۲۰۱۷ بود. این تصمیم با واکنش‌های منفی شدید رهبران اروپایی مواجه شد و شکاف عمیقی در روابط دو سوی آتلانتیک ایجاد کرد. همچنین، خروج

ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸، علی‌رغم مخالفت‌های متحدان اروپایی، نشان‌دهنده بی‌توجهی واشنگتن به نظرات شرکای اروپایی بود.

در حوزه تجارت، دولت ترامپ با اعمال تعرفه‌های فولاد و آلومینیوم بر واردات از اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۸، تنش‌های تجاری را تشدید کرد. این اقدام که به بهانه امنیت ملی انجام شد، با واکنش‌های متقابل اتحادیه اروپا روبرو گردید. مطالعات نشان می‌دهد که این تنش‌های تجاری به کاهش ۸ درصدی حجم تجارت دوجانبه در سال ۲۰۱۹ منجر شد. در زمینه روابط امنیتی، انتقادهای مکرر ترامپ از ناتو و تهدید به خروج از این پیمان، نگرانی‌های جدی را در میان متحدان اروپایی ایجاد کرد و اظهارات او درباره منسوخ شدن ناتو، به تشدید این نگرانی‌ها دامن زد (Bilal & Imran, 2019).

این در حالی بود که در دولت بایدن تلاش و توافق بر سر تعلیق تعرفه‌ها انجام شد. در همین راستا می‌توان به توافق برای تعلیق تعرفه‌های متقابل در مناقشه طولانی‌مدت بین ایرباس و بوئینگ اشاره کرد. این اقدام نه تنها به کاهش هزینه‌های تولید و قیمت نهایی محصولات کمک کرد، بلکه به تقویت روابط تجاری بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا نیز انجامید. علاوه بر این، تأسیس شورای تجارت و فناوری آمریکا-اروپا^۱ به‌عنوان یک اقدام کلیدی در راستای هماهنگی سیاست‌های تجاری و فناوری محسوب می‌شود. این شورا به دنبال ایجاد استانداردهای مشترک در زمینه‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی، امنیت سایبری و فناوری‌های سبز است (Trade Policy Agenda, 2024).

جدول شماره چهار - مهم‌ترین عناصر شکل‌دهنده به سیاست خارجی دولت بایدن در قبال اتحادیه اروپا بر اساس تعاریف وی از نقش ملی آمریکا

نقش تعریف شده برای آمریکا	نحوه بازنمایی اتحادیه اروپا در سند امنیت ملی ۲۰۲۲	نحوه مواجهه با اتحادیه اروپا مطابق با سند امنیت ملی ۲۰۲۲
نقش رهبری جمعی و قابل احترام	بازنمایی اروپا به عنوان شریک کلیدی ایالات متحده در مواجهه با چالش‌های جهانی	تاکید بر روابط فراآتلانتیک با اعضای اتحادیه اروپا بر پایه ارزش‌های دموکراتیک مشترک، منافع همگانی و تاریخ مشترک تقویت و گسترش پیوندهای فراآتلانتیک، تقویت ناتو و افزایش سطح همکاری در

^۱. TTC

روابط ایالات متحده با اتحادیه اروپا در جهت تحقق یک دستور کار جهانی مشترک		
آمریکا به تعهد خود در زمینه دفاع جمعی بر اساس ماده ۷ ناتو پایبند است (National Security Strategy, 2022).	حمایت از متحدان و شرکای اروپایی در دفاع از نظام مبتنی بر قوانین، امنیت، رفاه و ارزش‌هایی که اساس وجود آمریکا را تشکیل می‌دهند، یکی از تعهدات آمریکاست	نقش رهبر مسوول در قبال شرکا و متحدان

منبع: یافته‌های پژوهش

۵.۵. تغییر در سیاست خارجی دولت بایدن در حوزه رویکردهای محیط زیستی در قالب دیپلماسی چندجانبه در مسائل اقلیمی

در دولت بایدن در قالب تعریف از نقش ملی آمریکا به عنوان رهبر جمعی و یک رهبر مسوول در نظام بین الملل، ایالات متحده بر خلاف دوران ریاست جمهوری ترامپ، به دنبال تقویت جهان و ایجاد انگیزه برای اقدامات بیشتر می‌باشد. در همین راستا مطابق با سند امنیت ملی ۲۰۲۲، مهم ترین تجویزات سیاست گذارانه آمریکا در این حوزه که کاملاً منطبق با نقش ملی تعریف شده برای این کشور است، عبارت اند از:

- کمک به کشورهای جهان در راستای عمل به تعهدات توافق پاریس، از جمله کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، مقابله با سایر آلاینده‌های فوق‌العاده و حذف دی‌اکسیدکربن، کمک به پایان جنگل زدایی و مقابله با شدیدترین تأثیرات تغییرات آب‌وهوایی، استفاده از وزن اقتصادی خود برای هدایت کربن‌زدایی در کشورهای کم‌درآمد، تحت فشار قرار دادن شرکای خود در جهت افزایش مشارکت در حوزه مقابله با تغییرات اقلیمی و کمک به کشورهای کم درآمد، در دستور کار قرار دادن تغییرات آب‌وهوایی در استراتژی‌های سرمایه‌گذاری موسسات مالی آمریکا، همکاری هر چه بیشتر با سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی و بانک‌های توسعه منطقه‌ای در راستای افزایش مشارکت برای زیرساخت و سرمایه‌گذاری جهانی^۱ در حوزه مقابله با تغییرات اقلیمی (National Security Strategy: 2022: 27-28).

^۱. Partnership for Global Infrastructure and Investment (PGII)

طبق این رویکرد جدید دولت بایدن در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۲۱، به توافق پاریس بازگشت که این بازگشت به عنوان یک نقطه عطف در سیاست خارجی اقلیمی دولت بایدن تلقی می شود. دولت بایدن همچنین متعهد شد که تا سال ۲۰۳۰ میلادی، انتشار کربن را به میزان ۵۰ تا ۵۲ درصد نسبت به سطح سال ۲۰۰۵ کاهش دهد. بازگشت ایالات متحده به توافق پاریس، تغییرات عمده ای در روابط این کشور با اروپا تحت عنوان تقویت همکاری های دوجانبه در راستای مقابله با تغییرات اقلیمی به وجود آورد (Stavins, 2021).

دولت بایدن همچنین در مقایسه با دولت ترامپ، رویکردی کاملاً متفاوت و جدید در زمینه انرژی های پاک اتخاذ کرد. با تصویب لایحه زیرساخت و اشتغال در سال ۲۰۲۱، بیش از ۱.۲ تریلیون دلار به توسعه زیرساخت های ملی اختصاص یافت که بخش عمده ای از این مبلغ به سرمایه گذاری در انرژی های تجدیدپذیر معطوف گردید. این سرمایه گذاری شامل پیشرفت در شبکه های برق خورشیدی، توربین های بادی، خودروهای الکتریکی و زیرساخت های مرتبط با آنها بود. هدف اصلی این استراتژی، دگرگونی در اقتصاد انرژی ایالات متحده و کاهش وابستگی به سوخت های فسیلی است (USAID Climate Strategy 2022-2030, 2022).

بنابراین بایدن به جای سیاست های انزواطلبانه ترامپ، رویکردی چندجانبه را در پیش گرفت و سعی کرد تا ایالات متحده را به عنوان یک رهبر جهانی در مبارزه با تغییرات اقلیمی معرفی کند. این استراتژی شامل برقراری مذاکرات گسترده با کشورهای مختلف، برگزاری اجلاس های بین المللی و تقویت همکاری های علمی و فناوری به منظور کاهش انتشار کربن بود. یکی از اقدامات کلیدی در این راستا، برگزاری اجلاس رهبران اقلیمی در آوریل ۲۰۲۱ بود که در آن ۴۰ رهبر جهانی حضور داشتند. علاوه بر این، دولت او تلاش کرد تا با کشورهای نظیر چین و هند که از بزرگ ترین تولیدکنندگان گازهای گلخانه ای به شمار می روند، گفتگوهای سازنده ای در زمینه کاهش انتشار کربن آغاز کند (Locci & Jammoul, 2023).

۶.۵. تغییر در سیاست خارجی دولت بایدن نسبت به سازمان ناتو و رژیم کنترل تسلیحات

معاهده جدید کاهش تسلیحات استراتژیک^۱ که در سال ۲۰۱۰ میان ایالات متحده و روسیه به امضا رسید، به عنوان یکی از توافقاتی مهم در زمینه کنترل تسلیحات هسته ای بین این دو قدرت بزرگ هسته ای محسوب می شود. این توافق به تعیین محدودیت هایی برای تعداد

^۱. New START Treaty

کلاهک‌های هسته‌ای استراتژیک و سیستم‌های مرتبط با حمل آن‌ها می‌پردازد. در دولت ترامپ این معاهده با این استدلال که شرایط آن به نفع ایالات متحده نیست، به عنوان یک توافق نامناسب معرفی شد.

این در حالی بود که بایدن در آغاز دوره ریاست جمهوری خود مطابق با نقش تعریف شده برای آمریکا به عنوان دولت حافظ صلح و امنیت بین الملل و همچنین دولت مسوول، به سرعت اقدام به اعلام تمدید پنج ساله معاهده استارت جدید کرد.

جدول شماره پنج - مهم ترین عناصر شکل دهنده به سیاست خارجی دولت بایدن در قبال رژیم کنترل تسلیحات بر اساس تعاریف وی از نقش ملی آمریکا

نقش تعریف شده برای آمریکا	نحوه بازنمایی تهدیدات تسلیحات کشتار دسته جمعی در سند امنیت ملی ۲۰۲۲	نحوه مواجهه با رژیم کنترل تسلیحات مطابق با سند امنیت ملی ۲۰۲۲
نقش دولت حافظ صلح و امنیت بین المللی	تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی یک چالش جهانی بسیار مهم و پایدار می‌باشد که مستلزم همکاری پایدار برای جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی است.	ایالات متحده با متحدان و شرکا، جامعه مدنی و سازمان‌های بین‌المللی برای تقویت مکانیسم‌های کنترل تسلیحات و عدم اشاعه، همکاری کرده و تهدید وجودی ناشی از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای را از طریق کنترل مجدد تسلیحات و رهبری عدم اشاعه بررسی می‌کند. همچنین به دنبال تعامل عملی با رقبا در مورد ثبات استراتژیک و کاهش ریسک خواهد بود. رویکرد ایالات متحده بر اقداماتی تأکید می‌کند که باعث جلوگیری از رقابت‌های تسلیحاتی پرهزینه و تکمیل استراتژی‌های بازدارندگی ایالات متحده و متحدانش می‌شود (National Security Strategy: 2022: 29).
نقش رهبر جمعی		آمریکا تلاش‌های دوجانبه و چندجانبه کنترل تسلیحات را رهبری کرده و به تقویت رژیم‌های موجود و موسسات و معاهداتی از جمله معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سایر نهادهای سازمان ملل در جهت گسترش بیش از هفت دهه سابقه عدم استفاده هسته‌ای پرداخته است (National Security Strategy: 2022: 30).

منبع: یافته‌های پژوهش

بایدن همچنین در مواجهه با سازمان ناتو به وضوح تعهد ایالات متحده به این نهاد را اعلام کرد. این در حالی بود که ترامپ به طور مکرر از کشورهای اروپایی خواسته بود که سهم بیشتری در هزینه های دفاعی خود بپردازند و در برخی موارد حتی تهدید به خروج از این پیمان کرده بود (سلیمانی، ۱۴۰۰). سند استراتژی امنیت ملی ۲۰۲۲ با بیان این که ناتو اکنون قوی تر و متحدتر از همیشه است، به طور صریح اعلام می دارد که ایالات متحده از طریق ناتوی قوی و یکپارچه و همچنین مشارکت هایی قوی با اعضای آن، نه تنها از تجاوزات جلوگیری می کند، بلکه بستری برای همکاری های سودمند متقابل فراهم می آورد که نظم بین المللی را تقویت می کند (National Security Strategy, 2022). از جمله اقدامات دولت بایدن در قبال ناتو می توان به افزایش بودجه نظامی آمریکا در اروپا، برگزاری رزمایش های مشترک با دامنه وسیع تر و تقویت زیرساخت های نظامی در شرق اروپا اشاره کرد (Brattberg, 2021).

۷.۵. تغییر در سیاست های مهاجرتی دولت بایدن

سیاست های مهاجرتی ایالات متحده همواره به عنوان یکی از چالش برانگیزترین حوزه های سیاست گذاری در این کشور شناخته شده اند. سیاست مهاجرتی یکی از محورهای اصلی کمپین انتخاباتی و دوران ریاست جمهوری ترامپ بود. او از سیاست های مهاجرتی سختگیرانه حمایت می کرد و معتقد بود که مهاجرت غیرقانونی تهدیدی برای امنیت ملی و اقتصاد آمریکاست. مهم ترین نماد سیاست مهاجرتی ترامپ، وعده ساخت دیوار در مرز آمریکا و مکزیک بود. علاوه بر این، او دستور اجرایی منع ورود شهروندان چندین کشور عمدتاً مسلمان به آمریکا را صادر کرد که به "منع مسافرتی" معروف شد. این اقدامات با انتقادات گسترده ای در داخل و خارج از آمریکا مواجه شد (Pierce & Bolter, 2020).

با انتقال قدرت از ترامپ به بایدن، تغییرات قابل توجهی در رویکردهای مهاجرتی ایالات متحده مشاهده شد. او وعده داد که سیاست های مهاجرتی را به سمت رویکردی انسانی تر و جامع تر تغییر دهد. در این راستا، بایدن اقداماتی نظیر لغو برخی از دستورات اجرایی ترامپ، افزایش تعداد پناهندگان پذیرفته شده و تلاش برای اصلاح سیستم مهاجرتی را آغاز کرد. همچنین، او بر اهمیت ایجاد مسیرهای قانونی برای مهاجرت و حمایت از مهاجران غیرقانونی که سال ها در ایالات متحده زندگی کرده اند، تأکید کرد (Kalhan, 2021).

در همین راستا دولت بایدن در راستای اصلاح سیاست‌های پناهندگی، تغییرات اساسی را به اجرا گذاشت. یکی از این اقدامات لغو پروتکل حفاظت از مهاجران^۱ یا ماندن در مکزیک بود که در دوران ریاست جمهوری ترامپ به مرحله اجرا درآمد. با لغو این سیاست، دولت بایدن امکان اقامت موقت در ایالات متحده را برای پناهجویان فراهم کرد و به این ترتیب، رویکرد انسانی تری را در قبال این مسئله اتخاذ نمود. در زمینه سیاست‌های مرزی، یکی از تغییرات بارز، توقف پروژه ساخت دیوار مرزی بود که به‌عنوان یک نماد از سیاست‌های سخت‌گیرانه قبلی شناخته می‌شد. دولت بایدن به جای تمرکز بر موانع فیزیکی، بر استفاده از فناوری‌های پیشرفته و همکاری‌های منطقه‌ای تأکید کرد. این رویکرد جدید نشان‌دهنده تغییر در نگرش به امنیت مرزی و تلاش برای ایجاد یک سیستم پناهندگی انسانی‌تر و کارآمدتر بود (The Biden Administration, 2023).

۸.۵. تغییرات در رویکرد سیاست خارجی دولت بایدن در قبال خاورمیانه و جمهوری

اسلامی ایران

راهبرد امنیت ملی ایالات متحده در دوران ریاست جمهوری بایدن در قبال منطقه خاورمیانه بر دو مؤلفه کلیدی تأکید داشت: کاهش تنش‌های نظامی و تقویت یکپارچگی منطقه‌ای. به اعتقاد سند استراتژی امنیت ملی ۲۰۲۲، مداخلات نظامی ایالات متحده به تنهایی نمی‌تواند به دموکراسی در خاورمیانه منجر شود؛ بنابراین، بر ایجاد ثبات و حفظ منافع ملی تأکید می‌شود. این سند پنج اصل را برای هدایت سیاست‌های ایالات متحده در خاورمیانه معرفی می‌کند که شامل ترویج نظم مبتنی بر قوانین، آزادی کشتیرانی در خلیج فارس و حفاظت از حاکمیت ملی، تعهد به حل منازعات از طریق دیپلماسی، ارتقای یکپارچگی منطقه‌ای در ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی و همچنین ارتقای دستور کار حقوق بشر است. از منظر بایدن، بازسازی اعتماد میان واشنگتن و متحدان قدیمی برای حفظ ثبات در منطقه از اهمیت بالایی برخوردار است تا شرکای منطقه‌ای متوجه شوند که ایالات متحده قصد ندارد از مسئولیت‌های خود در قبال امنیت و ثبات منطقه فاصله بگیرد.

بنابراین موازنه فراساحلی و یا موازنه از راه دور، محور اصلی سیاست خارجی بایدن در خاورمیانه بوده است، این رویکرد بر ائتلاف سازی منطقه ای برای حضور کم رنگ تر مستقیم

^۱. Migrant Protection Protocols (MPP)

اتکا دارد. خروج آمریکا از افغانستان، کاهش ضریب درگیری در عراق و سوریه از مصادیق این رویکرد بوده‌اند. در سال ۲۰۲۱ بایدن تلاش کرد تا با راهبرد امنیت منطقه‌ای و با استفاده از همکاری های نظامی و امنیتی به خصوص با کشورهای عربی و اسرائیل منطقه را مدیریت کند. در رویکرد موازنه فراساحلی که بایدن در قبال منطقه خاورمیانه اتخاذ کرده بود نقش هر یک از بازیگران در همکاری های منطقه ای اهمیت پیدا میکند، به همین دلیل بود که ایران، اسرائیل، ترکیه و عربستان برای بایدن در این رویکرد مهم بودند (جوادی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۰-۲۵).

مساله ایران و نحوه بازنمایی این کشور برای هر دو رییس جمهور تقریباً مشابه است. مطابق با سند استراتژی دفاعی ایالات متحده در سال ۲۰۲۲ جمهوری اسلامی ایران به واسطه اقداماتی چون گسترش توانایی برای ساخت سلاح هسته ای، نیروهای موشکی گسترده، سیستم های هواپیمای بدون سرنشین و قابلیت های دریایی پیشرفته و همچنین بخاطر حمایت از گروه های تروریستی و نیابتی های نظامی، به کارگیری نیروهای شبه نظامی، مشارکت در تحریکات نظامی و انجام عملیات های مخرب سایبری و اطلاعاتی، ثبات خاورمیانه را تضعیف کرده و به عنوان یک تهدید بازنمایی می شود. لازم به ذکر است که در این سند کشورهای چوچون ایران و کره شمالی در زمره سازمان های افراطی خشن^۱ قرار گرفته اند (National Defense Strategy, 2022: 5). مشابه چنین بازنمایی در دوره ریاست جمهوری ترامپ نیز وجود دارد. اما آنچه که موجب تفاوت در سیاست خارجی دو رییس جمهور می شود، اتخاذ «رویکرد دیپلماتیک» توسط دولت بایدن در مقابل «فشار حداکثری» دولت ترامپ است.

در حالی که دولت ترامپ به استراتژی فشار حداکثری روی آورد و از توافق هسته ای برجام خارج شد، دولت بایدن به دنبال اتخاذ رویکردی دیپلماتیک تر بوده و تلاش هایی را برای احیای این توافق آغاز کرد. با این حال، این تغییر در سیاست به معنای کنار گذاشتن تمامی فشارها نبود. دولت بایدن با حفظ بخش عمده ای از تحریم های اقتصادی، در تلاش بود تا از طریق گفتگوهای غیرمستقیم و همکاری با متحدان اروپایی، راهی برای حل و فصل مسائل هسته ای و چالش های منطقه ای با ایران پیدا کند. دولت بایدن از آغاز کار خود، تمایل به بازگشت به توافق هسته ای را اعلام کرد و به دنبال آن بود که با کاهش برخی از تحریم ها، ایران را به رعایت دوباره مفاد این توافق ترغیب کند. در همین راستا در تاریخ ۱۸ فوریه ۲۰۲۱، بلافاصله پس از آغاز به کار، رئیس جمهور بایدن به طور رسمی درخواست از سرگیری مذاکرات مربوط به توافق

^۱. Violent Extremist Organizations (VEOs)

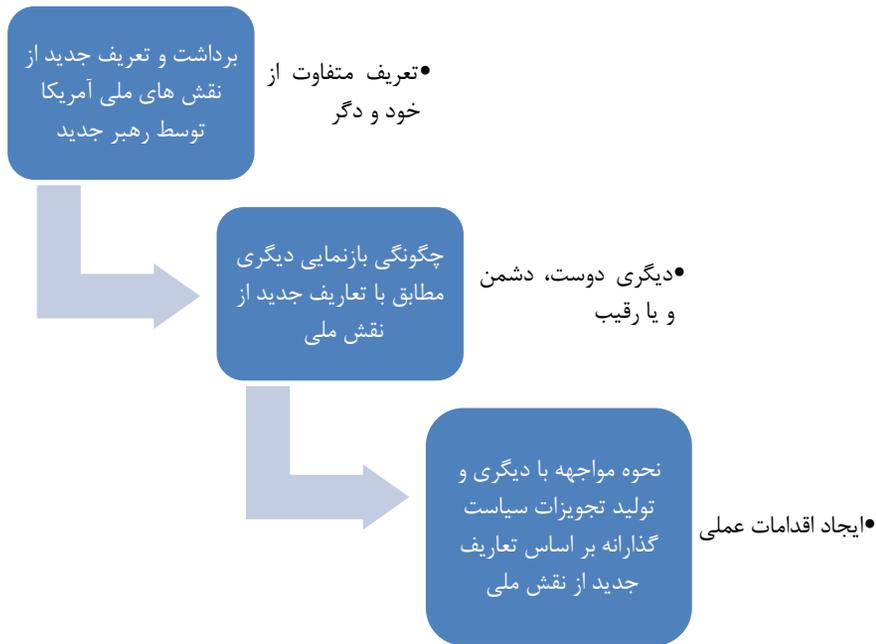
هسته‌ای ۲۰۱۷ با ایران را مطرح کرد (Burns, 2023). اگر چه که اختلافات عمیق در زمینه‌هایی نظیر زمان و شیوه لغو تحریم‌ها، ضمانت‌های اجرایی و همچنین مسائل مرتبط با برنامه موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران، روند مذاکرات را به بن‌بست کشاند.

۶. نتیجه‌گیری

در تحلیل سیاست خارجی هر کشوری از جمله آمریکا، بر هر پژوهشگر روابط بین‌الملل و تحلیل‌گر سیاست خارجی، لازم است تا با داشتن یک چهارچوب نظری و یا مفهومی به بررسی موضوع مورد مطالعه در این حوزه بپردازند. در همین راستا این پژوهش در پاسخ به این سوال که مهم‌ترین حوزه‌های تغییر در سیاست خارجی دولت بایدن نسبت به ترامپ چه بوده است؟ از نظریه ادراکی تحلیل سیاست خارجی یعنی نظریه برداشت از نقش ملی استفاده کرده است. در این نظریه برداشت کنشگر از جایگاه «خود» در مقابل «دیگری» بسیار حائز اهمیت است. این نظریه اصلی‌ترین فرضیه‌اش را این می‌داند که ایدئولوژی و هویت ملی از عوامل اصلی تعیین‌کننده سیاست خارجی کشورها به شمار می‌آیند.

بنابراین در این پژوهش تلاش شد تا بر اساس برداشت‌های بایدن از نقش‌های ملی آمریکا (با تاکید بر کنش‌های گفتاری و سند امنیت ملی ۲۰۲۲ آمریکا) به بررسی حوزه‌های تغییر در سیاست خارجی دولت وی در مقایسه با دولت ترامپ پرداخته شود. در هر حوزه تلاش شد تا بر اساس این نقش‌های تعریف شده، به بررسی چگونگی بازنمایی آن حوزه در سند امنیت ملی و سپس نحوه مواجهه با آن پرداخته شود و سپس اقدامات عملی انجام شده نیز بررسی گردد. در پایان می‌توان در مقام نتیجه‌گیری مدل تحلیل تغییر در سیاست خارجی دولت بایدن بر اساس تعریف از نقش ملی را چنین ترسیم نمود.

شکل شماره دو - مدل تحلیل تغییر در سیاست خارجی دولت بایدن بر اساس تعریف از نقش ملی آمریکا



منبع: یافته های پژوهش.

منابع و مأخذ

فارسی:

- جمشیدی، محسن، فلاحی، سارا، ایدی، محمد (۱۴۰۱)، «تهدیدات و فرصت های راهبرد کلان آمریکا (در دوره جو بایدن) در غرب آسیا بر مدیریت راهبرد جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام*، شماره بیست و ششم، صص ۹۷-۱۱۷.
- جوادی، امین رضا، متقی، ابراهیم، ابطحی، مصطفی (۱۴۰۲)، «سیاست مقایسه ای خاورمیانه ای ترامپ و بایدن، از موازنه نظامی تا موازنه فراساحلی»، *فصلنامه مطالعات اسلامی سیاسی*، شماره ۱۰۲، صص ۲۳۷-۲۶۹.
- رحیمی، رئوف (۱۴۰۳)، «تحلیل راهبرد مهار آمریکا در قبال ج.ا. ایران با تاکید بر دوره بایدن»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۵۴ شماره ۲، صص ۲۳۳-۲۵۳.

رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۴۰۲). *بررسی اصول و بنیان‌های مفهومی در دانش روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات تپسا.

سلیمانی، رضا. (۱۴۰۰). «بازنگری در هزینه و مسئولیت رهبری (بررسی موردی رویکرد انتقادی دونالد ترامپ به ناتو)». *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، شماره ۴، صص ۵۹-۸۳. doi: 10.2126/ipes.2021.6228.1356

طالعی حور، رهبر (۱۴۰۲)، «بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی ترامپ و بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران»، *نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۷۳، صص ۱۵۳-۱۷۲.

کشوریان آزاد، محسن، میرترابی، سید سعید. (۱۴۰۱). «دولت بایدن و سیاست مهار خیزش قدرت چین در حوزه اقیانوس هند-آرام» *فصلنامه سیاست خارجی*، شماره ۳۶، صص ۲۷-۵۴.

کیوان حسینی، سیداصغر، جوکار، صادق، خوشگفتار لامع، حامد. (۱۴۰۲). «مطالعه مقایسه‌ای دیپلماسی انرژی آمریکا ۲۰۱۶-۲۰۲۳». *مطالعات راهبردی در صنعت نفت و انرژی*، شماره ۵۹، صص ۲۱۷-۲۴۴.

انگلیسی:

- Allison, G., & Zelikow, P. (1999). *Essence of decision: Explaining the Cuban Missile Crisis*. New York: Longman.
- Axelrod, R. (Ed.). (1976). *Structure of Decision: The Cognitive Maps of Political Elites*. Princeton University Press. <http://www.jstor.org/stable/j.ctt13x0vw3>
- Biden, Joe. (2020 a). "Biden's first speech as US president", https://www.washingtonpost.com/politics/biden-congress-speech/2021/04/23/d82dc59a-a44e-11eb-a7ee-949c574a09ac_story.html.
- Biden, Joe. (2020 b). "Why America Must Lead Again: Rescuing U.S. Foreign Policy After Trump". *Foreign Affairs*, New York, Vol. 99, 2. pp. 64-68, 70-76. At <https://www.proquest.com/magazines/why-america-must-leadagain-rescuing-u-s>.
- Biden, Joe. (2021). "Transcript: President Joe Biden delivers foreign policy Speech". *Reuters transcript of speech delivered at the State Department, reprinted in Nikki Asia*, at <https://asia.nikkei.com/Politics/TranscriptPresident-Joe-Biden-delivers-foreign-policy-speech>.
- Bilal, A. S., & Imran, N. (2019). "Emerging Contours of Transatlantic Relationship under Trump Administration". *Policy Perspectives*, 16(1), 3-21. <https://doi.org/10.13169/polipers.16.1.0003>
- Bojang, As (2018). "The Study of Foreign Policy in International Relations", *Journal of Political Sciences & Public Affairs*. 06(04) DOI:10.4172/2332-0761.1000337.
- Breuning, M. (2011). "Role Theory in Politics and International Relations". In A. Mintz & L. G. Terris (Eds.), *The Oxford Handbook of Behavioral Political Science*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780190634131.013.29>

- Burns, B. (2023). "Bill Burns on Iran". <https://iranprimer.usip.org/blog/2021/jan/27/bill-burns-iran>
- Cooper, Z & P. Liff, A. (2021). "America Still Needs to Rebalance to Asia", *Foreign Affairs*, Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/asia/2021-08-11/america-still-needs-rebalance-asia>, 2021/8/11.
- George, A. L. (1969). "The "Operational Code": A Neglected Approach to the Study of Political Leaders and Decision-Making". *International Studies Quarterly*, 13(2), 190-222.
- Gould-Davies, N. (2020). "Russia, the West and sanctions". *Survival*, 62(1), 7-28. <https://doi.org/10.1080/00396338.2020.1715060>.
- Halperin, M. H., Clapp, P. A., & Kanter, A. (2006). *Bureaucratic politics and foreign policy*. Brookings Institution Press.
- Harnisch, S., Frank, C., & Maull, H.W. (Eds.) , (2011). *Role Theory in International Relations*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203818756>.
- Holsti, K. J. (1970). "National Role Conceptions in the Study of Foreign Policy". *International Studies Quarterly*, 14(3), 233-309. <https://doi.org/10.2307/3013584>.
- Holsti, O. R. (1989). *Crisis Decision Making*. In P. E. Tetlock et al. (Eds.) , *Behavior, Society and Nuclear War*. New York: Oxford University Press.
- Holsti, O. R., & Rosenau, J. N. (1988). "The Domestic and Foreign Policy Beliefs of American Leaders". *The Journal of Conflict Resolution*, 32(2), 248-294. <http://www.jstor.org/stable/174046>.
- Hung Kwant, C. (2019). "The china_Us Trade war: Deep_Rooted causes shifting Focus and uncertain prospects". *Asian Economic Policy Review*. 10. Pp 1- 18.
- Ikenberry, G. John and Kupchan, Charles. (2004). "Liberal Realism: The Foundations of a Democratic Foreign Policy". *The National Interest*., 77, 38-49. <http://www.jstor.org/stable/42895689>.
- Ikenberry, J. (2021). "The Intellectual Foundations of the Biden Revolution", at <https://foreignpolicy.com/2021/07/02/biden-revolution-roosevelt-traditionus-foreign-policy-school-international-relations-interdependence/>.
- Jervis, R. (1976). *Perception and misperception in international politics*. Princeton: Princeton University Press.
- Kalhan, A. (2021). "Immigration enforcement, strategic entrenchment, and the dead hand of the Trump presidency". *University of Illinois Law Review Online*, 46. <https://ssrn.com/abstract=3842102>.
- Keohane, Robert O. (1990). "Multilateralism: An Agenda for Research". *International Journal*, Vol 45 (4). 731-64. Accessed September 3, 2021. doi:10.2307/40202705.
- Keohane, Robert O. (2012). "Twenty Years of Institutional Liberalism". *International Relations*, Vol 26(2). pp 125-138.
- Locci, E & Jammoul, H, (2023). "Climate Diplomacy International and National Responses". <https://hdl.handle.net/2318/1907870>.

- “National Defense Strategy”, (2022). <https://media.defense.gov/2022/Oct/27/2003103845/-1/-1/1/2022-NATIONAL-DEFENSE-STRATEGY-NPR-MDR.pdf>
- “National security strategy”. (2022). <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2022/10/Biden-Harris-Administrations-National-Security-Strategy-10.2022.pdf>
- OFAC [Office of Foreign Assets Control]. (2022). “Russia-related Designations; Issuance of Russia-related General Licenses. U.S. Department of the Treasury”. Retrieved from <https://home.treasury.gov/policy-issues/financial-sanctions/recent-actions/20220224>
- OFAC [Office of Foreign Assets Control]. (2023). “Treasury Sanctions Russia's Metals and Mining Sector, Financial Facilitators, and Military Supply Chain. U.S. Department of the Treasury”. Retrieved from <https://home.treasury.gov/news/press-releases/jy1296>
- Piccone, T. (2021). “UN Human Rights Council: As the US returns, it will have to deal with China and its friends”. *Brookings Institution*. <https://www.brookings.edu/articles/un-human-rights-council-as-the-us-returns-it-will-have-to-deal-with-china-and-its-friends/>
- Pierce, S., & Bolter, J. (2020). “Dismantling and Reconstructing the U.S. Immigration System. Dismantling and Reconstructing the U.S. Immigration System”. https://www.migrationpolicy.org/sites/default/files/publications/MPI_US-Immigration-Trump-Presidency-Final.pdf
- Putnam, R. D. (1988). “Diplomacy and domestic politics: The logic of two-level games”. *International Organization*, 42(3), 427-460.
- Rasooli Saniabadi, E. (2021). “National role perceptions and Biden's foreign policy towards Iran”. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 12(1), 127-150.
- Smith, J. (2018). “Cognitive Approaches in Foreign Policy Analysis”. *International Studies Review*, 20(2), 320-337.
- Snyder, R, Bruck, H. W, & Sapin, B Carlton. (1962). *Foreign policy decision-making : an approach to the study of international politics*. New York (N.Y.): Free press of Glencoe.
- Sokolshchik, L. M. (2024). “Year One of the Biden Administration: U.S. Foreign Policy Towards Russia”. *Journal of Eurasian Studies*, 15(1), 70-80. <https://doi.org/10.1177/18793665231170639>.
- Stavins, R. (2021). “The Biden Administration and International Climate Change Policy and Action”. <https://www.lawfaremedia.org/article/biden-administration-and-international-climate-change-policy-and-action>.
- Swielande, T. (2021). “The Biden administration an opportunity to affirm flexible and adaptive American World leadership”. *World Affairs*, at <https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/00438200211014643>.
- The Biden Administration. (2023). “Takes actions to restructure migration to the U.S.-Mexico border”. *American Journal of International Law*, 117(3), 528-534. <https://doi.org/10.1017/ajil.2023.33>.
- The Guardian. (7 October, 2022), “Biden administration imposes sweeping tech restrictions on China”, Date of extraction: 15/6/2023, Available at: <https://www.theguardian.com/us-news/2022/oct/07/biden-administration-tech-restrictions-china>.

- Thies, C. G. (2017). Role Theory and Foreign Policy Analysis in Latin America. *Foreign Policy Analysis*, 13(3), 662–681. <https://www.jstor.org/stable/26489145>.
- Thompson, C. (2023). “Biden Hears a WHO: COVID-19, the World Health Organization, and the 2020 US Presidential Election”. *Public Culture*, 35(3), 301-317 Charis Thompson; Biden Hears a WHO: COVID-19, the World Health Organization, and the 2020 US Presidential Election. *Public Culture* 1 September 2023; 35 (3 (101)): 301–317. <https://doi.org/10.1215/08992363-10742467>.
- United States Trade Representative, (2024). “2024 Trade Policy Agenda and 2023 Annual Report”. <https://ustr.gov/sites/default/files/The%20Presidents%202024%20Trade%20Policy%20Agenda%20and%202023%20Annual%20Report.pdf>.
- UASID, (2022). “Climate Strategy 2022-2030” <https://www.usaid.gov/sites/default/files/2022-11/USAID-Climate-Strategy-2022-2030.pdf>.
- U.S. Department of the Treasury. (2021). “Treasury Sanctions Russia with Sweeping New Sanctions Authority”. *Press Release*. Retrieved from <https://home.treasury.gov/news/press-releases/jy0127>
- York, Erica (2024), “Tracking the Economic Impact of the Trump Tariffs”, *Tax Foundation*; Available online at: <https://taxfoundation.org/research/all/federal/trump-tariffs-trade-war>.

